**انترناسیونال ۷۱۲**

**آرش دشتی**

**فاجعه ی انسانی در معدن یورت و بهره برداری های حکومت**

در اثر انفجاری که در معدن یورت از توابع آزادشهر استان گلستان رخ داد، تاکنون (تا لحظه ی نگارش این یادداشت) ۴۵ نفر معدنکار بی دفاع جان باختند. اخبار و گزارش های خوب و زیادی در باره ی این واقعه ی دردناک و این فاجعه ی انسانی از سوی شبکه علی اجتماعی تهیه و منتشر شده است. فعالان کارگری و مدنی و تشکل های  آزاد و مستقل نیز در اطلاع رسانی و روشنگری کارهای خوبی انجام داده اند که لازم است اما کافی نیست. کفایت در این است که به یک حرکت جمعی و یک اعتراض همگانی در فضای واقعی جامعه تبدیل شود.

اما حاکمیت بیشتر از هر حادثه ی دیگری و بیشتر از هر زمان دیگری به این مسأله ورود پیدا کرده است. چرا که پیش از این نیز در معادن ناامن دیگری حوادثی رخ داده بود که شمار زیادی از کارگران جان باخته بودند و خانواده های زیادی از هستی ساقط شده اند اما با بی توجهی دستگاه های  حکومتی روبرو شده و به فراموشی سپرده شده اند. اما فاجعه معدن یورت انگار با بقیه فجایع فرق می کند:

۱ـ قبل از آنکه علی ربیعی وزیر کار به محل جنایت برود، خامنه ای پیام تسلیتی منتشر کرد تا بلکه بتواند آبی بر آتش اعتراض کارگران و بازماندگان و خانواده های کشته شدگان و مصدومان بپاشد.

برای کدام حادثه ی مشابه در معادن دیگر، خامنه ای پیام تسلیت فرستاده؟ معلوم می شود که در این معدن، پای خودش و نوچه های بسیجی اش و سپاه، گیر است.

۲- قبل از آن که علی ربیعی وزیر کار به محل فاجعه برود، خامنه ای نماینده ای به آنجا فرستاد تا چند و چون قضایا را بسنجند و بتوانند قضیه را مهار کنند که از دست شان در نرود.

۳- قبل از آن که روحانی برای دلجویی خانواده ها و آرام کردن جو و البته به خیال واهی جمع کردن رای به یورت برود، علی ربیعی وزیر جنایتکار روحانی به محل رفت و حتی برای نمایش شده، وارد تونل شد تا از میزان حملات بعدی به خودش کم کند و هم به وظیفه ی وزارت تحت امرش عمل کرده باشد. ربیعی رفت تا مسولان امنیتی و قضایی و اداری استان، گاف ندهند و نگویند که معدنکار، بی احتیاطی کرده اند! تا بلکه بتواند ماله کشی های اداری را برای منطقی جلوه دادن شرایط استخدامی

و رفاهیات کارگران انجام دهد اما غافل از آن که کارگران افشا کرده بودند که وسایل ایمنی نداشتند، که فقط سه ماه در سال بیمه بودند، که بیمه شان برای معدنکاری نبوده و آن ها را تحت عناوین آرایشگر و یا کارگر خدماتی کتابخانه عمومی بیمه کرده اند تا کارگران نتوانند از مزایای بیمه و بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور استفاده کنند.

۴ـ و خلاصه روحانی به محل فاجعه رفت اما در همان بدو ورود با اعتراض شدید کارگران و خانواده هایشان روبرو شد. کارگران چشم در چشم روحانی گفتند که تا امروز شما کجا بودی؟ امروز آمدی اینجا چه کار؟ ما نان نداریم بخوریم. ما ده ماه است که طلبکاریم. آمدی که مصیبت ما را ببینی؟

و در اعتراض مسولان امنیتی که کارگران را به سکوت دعوت می کردند، کارگری که داشت به روحانی نهیب می زد گفت: بذار حرفم را بزنم. رئیس جمهور دیگه این طرفها پیداش نمی شه! و روحانی که رفته بود آتش را بخواند، با شاخی شکسته و دستی خالی برگشت.

معدن یورت در طول این یک هفته، ده روز جولانگاه بهره برداری های انتخاباتی روحانی  و دار و دسته ی حکومت بود.

فاجعه در معدن یورت و سیل در آذربایجان و کردستان و مسمومیت دانشجویان و واژگون شدن اتوبوس دانش آموزان در جاده ها و حتی در اتوبان های تهران و ده ها و صدها جنایت دیگر، نشان می دهد که این حکومت توان و لیاقت اداره کشور را ندارد و مردم عزمشان را جزم کرده اند که گور این جانیان را با دست هایش خود بکنند.

آرش دشتی